

مقایسه کیفی و کمی نوازه‌های دریافتی مدرسان زبان انگلیسی از سوی زبان‌آموزان براساس عامل جنسیت

آیدا فیروزیان پوراصفهانی*

استادیار زبانشناسی، دانشگاه بین‌المللی امام رضا (ع)،
مشهد، ایران

رضا پیش‌قدم**

استاد گروه زبان و ادبیات انگلیسی و علوم تربیتی، دانشگاه فردوسی مشهد،
مشهد، ایران

سمانه نادری***

دانشجوی دکتری رشته آموزش زبان انگلیسی، دانشگاه یزد،
یزد، ایران

(تاریخ دریافت: ۹۷/۰۳/۲۴، تاریخ تصویب: ۹۸/۰۱/۲۱، تاریخ چاپ: آبان ۱۳۹۸)

چکیده

پژوهش حاضر بر آنست تا به شیوه‌ای کیفی و کمی، نوازه‌های دریافتی مدرسان زبان انگلیسی از سوی زبان‌آموزان را با در نظر گرفتن عامل جنسیت مدرس واکاوی کند. در مرحله کیفی، شرکت‌کنندگان متشکل از ۲۸ مدرس انتخاب شدند. انواع نوازه‌های دریافتی مدرسان به واسطه مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با آن‌ها، مورد بررسی قرار گرفت و پرسشنامه‌ای طراحی شد. پس از تأیید روایی و پایایی آن، پرسشنامه در اختیار ۱۸۱ مدرس قرار داده شد و تفاوت نوازه‌های دریافتی مدرسان به لحاظ کمی مورد تحلیل واقع شد. یافته‌های کیفی نشان داد که مدرسان زن در مقایسه با مدرسان مرد، نسبت به دریافت نوازه‌های غیرکلامی مثبت، کلامی غیرشرطی منفی و کلامی شرطی منفی حساس‌تر بودند. نتایج بخش کمی نیز نشان داد که میان بهره‌های مدرسان زن و مرد از نظر حسی که در نتیجه دریافت انواع نوازه‌های غیرکلامی مثبت، عدم دریافت نوازه و کلامی شرطی منفی پدید می‌آید، تفاوت معنادار وجود دارد.

واژه‌های کلیدی: نوازش، نوازه، نوازه‌شونده، نوازه‌گر، جنسیت.

* نویسنده مسئول: E-mail: firoozian@imamreza.ac.ir

** E-mail: pishghadam@um.ac.ir

*** E-mail: samane.naderi61@gmail.com

۱- مقدمه

همان‌گونه که بر همگان آشکار است، رابطه میان معلم و شاگرد در محیط‌های آموزشی، به‌عنوان رابطه‌ای دوسویه، همواره از اهمیت و ارزش بسزایی برخوردار است. بر همین اساس، تاکنون پژوهش‌های متعددی، این رابطه را از جنبه‌های مختلف مورد بررسی قرار داده‌اند (همره^۱ و پینتا^۲، ۲۰۰۱؛ دن بروک^۳، ۲۰۰۱؛ شوتز^۴ و پکران^۵، ۲۰۰۷؛ اسپلیت^۶، هوگز^۷، وو^۸ و کوک^۹، ۲۰۱۲). در این میان، یکی از مطرح‌ترین رویکردهایی که در زمینه روابط میان معلم و شاگرد در محیط‌های آموزشی قابل شناسایی است، نظریه «تحلیل رفتار متقابل»^{۱۰} در روانشناسی اجتماعی است. رویکرد مذکور، نخستین بار در سال ۱۹۵۸ توسط اریک برن^{۱۱} مطرح شد. نظریه «تحلیل رفتار متقابل» به‌عنوان یک انگاره روانشناسی در ارتباط با شخصیت، به‌ارائه روشی نظام‌مند برای روان‌درمانی انسان با هدف ایجاد رشد و تغییرات در او می‌پردازد. به بیان دیگر، در این نظریه شخصیتی، تغییرات و رشد شخصیتی انسان به‌طور اصولی و نظام‌مند مورد مطالعه و بررسی قرار می‌گیرد (استوارت^{۱۲} و جوینز^{۱۳}، ۱۹۸۷). این نظریه به‌واسطه معرفی مفهوم «رابطه متقابل» در مباحث روان‌درمانی، معیاری را برای سنجش، گروه‌بندی و تحلیل روابط میان‌فردی پیشنهاد می‌دهد. در این رویکرد، مفاهیم بنیادی چون موضع‌های زندگی، سناریوهای زندگی، ساختار زمانی، حالت‌های «من»، تبادل‌های میان افراد و... به‌عنوان دستاوردهای چشمگیر این نظریه قابل طرح‌اند (برن، ۱۹۸۸).

- 1- Hamre, B. K.
- 2- Pianta, R. C.
- 3- Den Brok, P. J.
- 4- Schutz, P. A.
- 5- Pekrun, R.
- 6- Split, J. L.
- 7- Hughes, J. N.
- 8- Wu, J.
- 9- Kwok, O.
- 10- Transactional Analysis
- 11- Berne, E.
- 12- Stewart, I.
- 13- Joines, V.

از میان دیگر دستاوردهای چشمگیری که این نظریه در گستره روانشناسی با خود به همراه دارد، می‌توان به مفهوم «نوازه»^۱ به عنوان واحد اصلی اندازه‌گیری و سنجش هم‌کنشی‌های اجتماعی و یکی از مهم‌ترین عوامل ایجاد و افزایش انگیزه در افراد اشاره نمود. «نوازه» در معنای ساده و عام خود به معنای «دیده شدن توسط دیگران» دلالت دارد (برن، ۱۹۶۴). شیرای^۲ (۲۰۰۶) این مفهوم را به صورت «به رسمیت شناختن ارزش‌های دیگران» تعریف می‌کند. برن بر این باور است که «نوازه» در انسان از همان ابتدای نوزادی به عنوان یک نیاز اولیه، به دریافت نوازش و تماس فیزیکی از سوی دیگران بروز می‌کند و در روند حرکت فرد به سمت و سوی بزرگسالی، این احساس به صورت نیاز به دریافت لبخند، تعریف، تمجید، ستایش یا حتی در برخی موارد اخم یا توهین از سوی دیگران (که حاکی از به رسمیت شناخته شدن فرد توسط دیگران است) تبلور می‌یابد (استوارت و جوینز، ۱۹۸۷). بایسته یادآوری است که شماری از متخصصان روان‌شناسی و تحلیل‌گران رفتار در ایران، از این مفهوم تحت عنوان «نوازش» یاد کرده‌اند؛ اما در پژوهشی که توسط پیش‌قدم و فرخنده‌فال (۱۳۹۵) به انجام رسید، برای این مفهوم انواعی در نظر گرفته شده است؛ به طوری که برای اشاره به ابعاد فیزیکی و جسمانی این مفهوم از لفظ «نوازش»، و برای ابعاد روحی و روانی آن از اصطلاح «نوازه» استفاده شده است. به بیان دقیق‌تر، «نوازش» بر ابعاد فیزیکی و «نوازه» بر ابعاد روانی این مفهوم تأکید می‌ورزند. در همین راستا، پیش‌قدم، فیروزیان و طباطبائی (۱۳۹۶) نیز به منظور نشان دادن تفاوت میان «نوازش» و «نوازه»، هرمی سلسله‌مراتبی برای سطوح مختلف این نوع نیاز ذاتی در نظر می‌گیرند (شکل ۱).



شکل ۱. هرم سلسله‌مراتبی «نوازش» تا «ناز» (برگرفته از پیش‌قدم، فیروزیان و طباطبائی، ۱۳۹۶)

1- Stroke

2- Shirai, S.

براساس شکل ۱، می‌توان این چنین اظهارنظر کرد که «نوازش» به‌صورت فیزیکی از بدو تولد آغاز شده و به‌تدریج حالت فیزیکی، معنوی و روانی به‌خود گرفته و به‌عنوان «نوازه» تبلور یافته و در کنار «نوازش» قرار می‌گیرد. «نواز» نیز که توجه به‌گروه خاصی داشته، در عباراتی نظیر *مهمان‌نواز* و *بنده‌نواز* نمود می‌یابد. سرانجام، در رأس این هرم «ناز» قرار می‌گیرد (پیش‌قدم و همکاران، ۱۳۹۶). با در نظر گرفتن آنچه گفته شد، پژوهش پیش‌رو نیز با تأکید بر ابعاد روانی نوازه، این مؤلفه روانشناسی را مورد تحلیل و بررسی قرار می‌دهد.

بنابراین، با توجه به‌نقش اساسی نوازه در ایجاد انگیزه در افراد (پیش‌قدم و خواجه‌جوی، ۲۰۱۴)، لزوم آشنایی با انواع نوازه و تأثیر آن در ایجاد بستری مناسب برای درک متقابل افراد، به‌ویژه در محیط‌های آموزشی، بر هیچ‌کس پوشیده نخواهد بود. بنابراین، نادیده انگاشتن این مؤلفه روانشناسی در آموزش، می‌تواند روند یادگیری و آموزش را با دشواری‌هایی روبرو کند. نظر بر اهمیت مسئله، تاکنون مطالعات چندی پیرامون تأثیرات مثبت یا منفی نوازه‌های دریافتی شاگردان از سوی معلمان بر ایجاد انگیزه برای یادگیری بهتر و مؤثرتر انجام گرفته است (فریدمن^۱، ۱۹۹۳؛ ابوالقاسمی، ۱۳۸۶؛ بحرانی، ۲۰۰۵؛ فاستر^۲، ۲۰۰۸؛ پیش‌قدم و خواجه‌جوی، ۲۰۱۴؛ پیش‌قدم، ناجی میدانی و خواجه‌جوی، ۲۰۱۵؛ ایرج‌زاد، پیش‌قدم و شهریار، ۲۰۱۷؛ رجب‌نژاد، پیش‌قدم و صبوری، ۲۰۱۷). نقطه اشتراک تمامی پژوهش‌های به‌انجام رسیده در این زمینه، آن است که در همگی این مطالعات، جهت دریافتی نوازه همیشه از سوی معلم به‌سمت شاگرد در نظر گرفته شده است. به‌بیان دیگر، معلمان همواره ایفاگر نقش «نوازه‌گر^۳» و شاگردان ایفاگر نقش «نوازنده‌شونده^۴» بوده‌اند. بنابراین، بررسی پیشینه پژوهش‌های صورت گرفته در این زمینه حاکی از آن است که تا آنجا که جستار کردیم و دریافتیم، تنها پژوهشی که در آن، جهت دریافتی نوازه به‌صورت معکوس و از سوی شاگرد به‌سمت معلم در نظر گرفته شده است، مطالعه انجام شده توسط یزدان‌پور (۲۰۱۵) است. ناگزیر، نظر بر عدم وجود تحقیقات گسترده در ارتباط با نوازه‌های دریافتی معلمان از سوی شاگردان، پژوهش حاضر بر آن است تا ضمن بررسی کیفی و کمی انواع نوازه‌های دریافتی مدرسان زبان انگلیسی از سوی زبان‌آموزان، براساس دسته‌بندی ارائه شده از انواع نوازه توسط استوارت و جوینز (۱۹۸۷)،

1- Freedman, M.

2- Foster, K.C.

3- Stroker

4- Strokee

عامل جنسیت مدرس را بر تأثیری که این نوازه‌ها می‌توانند بر مدرسان ایجاد نمایند، مورد واکاوی و کندوکاو قرار دهد. به بیان دیگر، هدف اصلی از پژوهش حاضر، ارائه پاسخی به این پرسش اساسی است که چه تفاوت‌هایی به لحاظ کیفی و کمی میان مدرسان زبان انگلیسی زن و مرد از نظر بهره‌نوازه‌ای آنان از سوی زبان‌آموزان وجود دارد؛ در واقع، این مقاله کوششی است برای روشن ساختن این‌که نخست، مدرسان زن و مرد زبان انگلیسی از میان انواع نوازه‌های شناسایی شده توسط استوارت و جونز (۱۹۸۷)، چه نوع نوازه‌هایی را بیشتر از سوی زبان‌آموزان دریافت می‌کنند و دوم این‌که، در نتیجه دریافت انواع مختلف نوازه، چه احساسی به لحاظ خوشایندی یا ناخوشایندی در مدرسان زن و مرد زبان انگلیسی ایجاد می‌شود.

۲- پیشینه پژوهش

۲-۱- نگاهی به مفهوم نوازه

در این بخش، مفهوم نوازه به تفکیک، از دیدگاه روانشناسی و آموزشی مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

۲-۱-۱- مفهوم نوازه در روانشناسی

آن‌چنان که پیش از این گفته شد، مفهوم «نوازه» برای نخستین بار در نظریه روانشناسی و روانسنجی «تحلیل رفتار متقابل» توسط برن در دهه ۱۹۶۰ معرفی شد. این نظریه هم‌کنشی‌های انسانی از قبیل هم‌کنشی‌های میان معلم و شاگرد را از ابعاد و جنبه‌های مختلف مورد تحلیل و بررسی قرار می‌دهد. کانون توجه نظریه «تحلیل رفتار متقابل» به‌عنوان یک نظریه روان‌درمانی نظاممند، شخصیت انسان به‌عنوان عاملی تأثیرگذار در رشد و تغییر مؤثر شخصیت او می‌باشد. برن (۱۹۶۴) رفتار متقابل را زیرمجموعه‌ای از مراودات اجتماعی در نظر می‌گیرد. او بر این باور است که در یک هم‌کنشی اجتماعی، شرکت‌کننده آغازگر گفتگو یا شرکت‌کننده‌ای که در هنگام گفتگو نشانه‌های بازخوردی از خود بروز می‌دهد، «محرک تبادل^۱» و شرکت‌کننده‌ای که در مقابل شرکت‌کننده اول رفتار خاصی از خود نشان می‌دهد، «پاسخ تبادل^۲» نامیده می‌شود.

1- Transactional stimulus

2- Transactional response

تحلیل رفتار متقابل می‌تواند در زمینه‌های مختلفی که نیاز به درک متقابل افراد، روابط و ارتباطات وجود دارد، کارایی داشته باشد که برخی از آن‌ها عبارتند از: روان‌درمانی، رشد کودک، آموزش و پرورش، مدیریت و... (استوارت و جونز، ۱۹۸۷). در این رابطه، یکی از مفاهیم بنیادین و اساسی در تحلیل رفتار متقابل که به‌طور مستقیم در ارتباط با هم‌کنشی‌های میان معلم و شاگرد قابل طرح‌اند، مفهوم «نوازه» است. «نوازه» به‌عنوان یک واحد شناختی یا پایه از رفتار اجتماعی، به‌مجموعه اقدامات ناشی از مد نظر قرار دادن دیگران اشاره می‌کند. برن (۱۹۶۴) نیاز انسان به دریافت نوازه برای حفظ سلامت روحی و حتی جسمی‌اش را با الهام‌گیری از پژوهشی که توسط اسپیتز^۱ (۱۹۵۴) بر روی کودکان پرورشگاهی صورت گرفته بود، به‌صورت «عطش شناخته شدن»^۲ تعریف می‌کند. اسپیتز (۱۹۵۴) به‌هنگام مقایسه کودکان پرورشگاهی با کودکان عادی، به‌این نتیجه رسید که علی‌رغم این‌که کودکان پرورشگاهی از نظر برخورداری از تغذیه و شرایط محیطی در وضعیت مناسبی قرار داشتند، اما در مقایسه با کودکان عادی، در معرض اختلالات جسمی و روانی بیشتری قرار می‌گرفتند که این امر، ریشه در کمبود محرکات لمسی و عاطفی این کودکان در مقایسه با کودکان عادی داشت. بر این اساس، برن با الهام‌گیری از نتایج این پژوهش، دو مؤلفه روان‌شناسی «نوازش» و «نوازه» را به‌عنوان عوامل حیاتی در سلامت جسم و روان، شناسایی کرد. نوازه‌ها در واقع ارتباطات میان فردی قابل رؤیتی‌اند که می‌توانند نیاز احساسی و معنوی افراد را به‌دیده شدن و به‌رسمیت شناخته شدن، برآورده کنند (پیش‌قدم و فرخنده‌فال، ۱۳۹۵).

نظر بر اهمیت «نوازه» در پژوهش حاضر، در ابتدا به‌معرفی انواع نوازه براساس دسته‌بندی ارائه شده توسط استوارت و جونز (۱۹۸۷) پرداخته خواهد شد. در یک دسته‌بندی کلی می‌توان انواع نوازه را در سه دسته کلی شناسایی کرد که عبارتند از:

الف- نوازه‌های مثبت^۳ در مقابل نوازه‌های منفی^۴: نوازه‌های مثبت سبب ایجاد حس خوشایند در فرد دریافت‌کننده می‌شوند و در برابر، نوازه‌های منفی نوعی تجربه حس ناخوشایند را در آدمی پدید می‌آورد.

1- Spitz, R. A.

2- Recognition hunger

3- Positive Stroke

4- Negative Stroke

ب- نوازه‌های کلامی^۱ در برابر نوازه‌های غیرکلامی^۲: تفاوت میان این دو نوع نوازه، در شیوه انتقال است؛ انتقال نوازه‌های کلامی به واسطه واژه‌ها، جملات و عبارات موجود در زبان و به صورت کلامی صورت می‌گیرد (مانند احوال‌پرسی، مکالمه یا بحث و...)؛ و این در حالی است که نوازه‌های غیرکلامی به صورت غیرکلامی و با استفاده از زبان بدن و حالات مختلف چهره (مانند لبخند زدن، اخم کردن، تکان دادن سر از بالا به پایین و...) قابل انتقال‌اند.

ج- نوازه‌های شرطی^۳ در برابر نوازه‌های غیرشرطی^۴: نوازه‌های شرطی به کارهایی که فرد انجام می‌دهد مرتبط‌اند و در برابر نوازه‌های غیرشرطی، خود شخص را مد نظر قرار می‌دهند. به عنوان مثال، چنانچه فردی جمله «تو چقدر خوب آواز می‌خوانی» را از کسی بشنود، در واقع فرد مورد نظر یک نوازه شرطی دریافت کرده است. این جمله در عین شرطی بودن، نیز حامل مفهوم و معنای مثبت است. برعکس، جمله‌ای نظیر «از تو متنفرم» را می‌توان یک نوازه شرطی منفی در نظر گرفت.

بنابراین، آنچه در ارتباط با انواع نوازه گفته شد را می‌توان بصورت زیر در جدول ۱ جمع‌بندی نمود.

اهمیت دریافت نوازه از سوی دیگران و تأثیر روانی که این نوازه‌ها می‌توانند در فرد دریافت‌کننده پدید آورند، به اندازه‌ای است که استوارت و جوینز (۱۹۸۷) را به این باور رسانده است که در بسیاری موارد، دریافت نوازه منفی حتی می‌تواند بهتر از عدم دریافت نوازه باشد. به بیان دقیق‌تر، از نظر آنان، در شرایط محرومیت نوازه‌ای، افراد عموماً دریافت نوازه منفی را به شرایط عدم دریافت نوازه ترجیح می‌دهند.

1- Verbal Stroke

2- Nonverbal Stroke

3- Conditional Stroke

4- Unconditional Stroke

جدول شماره ۱- انواع نوازه براساس دسته‌بندی استوارت و جونز (۱۹۸۷)

نوع نوازه	تعریف	نمونه
نوازه مثبت	حس رضایت و خوشحالی در افراد ایجاد می‌نماید.	«چقدر تکالیف رو تمیز نوشتی»
نوازه منفی	حس عدم رضایت و ناراحتی در افراد ایجاد می‌نماید.	«این چه طرز سر کلاس نشستنه»
نوازه شرطی	مربوط به حالت یا کاری است که افراد انجام می‌دهند.	«اگر دفعه دیگه دیر بیای نمی‌تونم سر کلاس بشینی»
نوازه غیرشرطی	مربوط به خود افراد است نه عملشان.	«چقدر زرنگ و باهوشی»
نوازه کلامی	با استفاده از واژه‌ها، جملات و عبارات زبانی به صورت کلامی انتقال می‌یابد.	«احوال پرس، تعریف و تمجید از لباس فرد»
نوازه غیرکلامی	با استفاده از زبان بدن و حالات مختلف چهره به صورت غیرکلامی منتقل می‌شود.	«لبخند زدن، تو چشم‌های افراد نگاه کردن و حرف زدن»

۲-۱-۲- نوازه در محیط‌های آموزشی

توجه معلم به شاگرد از جمله عوامل روانشناختی است که پیامدهای مثبتی چون تمایل به حضور بیشتر در کلاس، افزایش ساعات مطالعه، افزایش میزان موفقیت تحصیلی و کاهش میزان تمایل به ترک تحصیل را برای شاگرد در پی خواهد داشت (فاستر، ۲۰۰۸).

بر این اساس، نوازه به‌عنوان یکی از مفاهیم محوری مرتبط به‌توجه معلم، از اهمیت بسزایی در امر آموزش برخوردارست (پیش‌قدم، ناجی میدانی و خواجوی، ۲۰۱۵). آن‌چنان که پیش‌تر گفته شد، نوازه از جمله مفاهیم روانشناختی است که برخلاف این‌که بیش از نیم قرن از تعریف علمی آن می‌گذرد، پژوهش‌های متعددی در ارتباط با آن، به‌ویژه در زمینه آموزش به‌انجام نرسیده است. از معدود پژوهش‌هایی که در ارتباط با این مفهوم در زمینه آموزش زبان دوم صورت گرفته است، می‌توان به موارد زیر اشاره نمود.

فریدمن (۱۹۹۳) تأثیر غنای نوازه محیط را بر سطح انگیزه و عملکرد شاگردان مورد بررسی قرار داده است. پیش‌قدم و خواجوی (۲۰۱۴)، به منظور سنجش نوازه‌های دریافتی

زبان‌آموزان، براساس نظریه تحلیل رفتار متقابل، مقیاسی طراحی کردند و با استفاده از آن، ارتباط میان نوازه با انگیزه تحصیلی زبان‌آموزان را مورد بررسی قرار دادند. نتایج بررسی آنان حاکی از آن بود که میان میزان نوازیده شدن و انگیزه تحصیلی زبان‌آموزان، ارتباط معناداری وجود دارد. به بیان دقیق‌تر، میان نوازه دریافتی زبان‌آموزان و انگیزه درونی و بیرونی‌شان رابطه مستقیم برقرار است. همچنین در این پژوهش، ۴ زیرسازه از نوازه به واسطه تحلیل عاملی استخراج شد که عبارتند از: گفتاری، غیرگفتاری، ارزش‌گذاری و فعالیت کلاسی.

یزدان‌پور (۲۰۱۵)، رابطه میان بهره نوازه‌ای با میزان فرسودگی شغلی^۱ معلمان را مورد مطالعه قرار داد. نتایج این پژوهش حاکی از آن بود که میان این دو متغیر، رابطه معنادار معکوس برقرار است؛ به این معنا که هر قدر میزان بهره نوازه‌ای معلم بیشتر باشد، میزان فرسودگی شغلی‌اش کمتر خواهد بود. براساس یافته‌های این پژوهش، نوازه نه تنها برای شاگردان، بلکه برای معلمان نیز عاملی تأثیرگذار به‌شمار می‌رود و میزان دریافت آن می‌تواند سبب تغییر میزان انگیزه آنان در تدریس شود. در این پژوهش نیز ۵ زیرسازه توجه دولت به معلم، توجه مدیر به معلم، توجه کارکنان و همکاران به معلم، توجه خانواده شاگردان و خود شاگردان به معلم شناسایی شدند.

پیش‌قدم و همکاران (۲۰۱۵)، در پژوهشی دیگر بازخوردها و توجه معلم به شاگردان را در کلاس‌های زبان مورد بررسی قرار دادند. آنان از رهگذر این بررسی، بر لزوم توجه معلم به طور برابر و مساوی به زبان‌آموزان و پرهیز از تبعیض قائل شدن میان آنان، به دلیل اهمیت بسزای آن در آموزش، تأکید ورزیدند.

علیرغم اثبات تأثیرات مثبت نوازه در آموزش، حسینی (۲۰۱۶) در پژوهش خود به این نتیجه رسید که برخلاف آگاهی معلمان از اهمیت نوازه در آموزش، بسیاری از آنان در بکارگیری آن در کلاس‌های درسی، عملکرد موفق‌آمیزی از خود بروز نمی‌دهند.

ایرج‌زاد و همکاران (۲۰۱۷) نیز تفاوت‌های موجود میان معلمان کلاس‌های زبان‌های انگلیسی، عربی و فارسی را از نظر میزان نوازه‌گری مورد مقایسه قرار دادند. در نتیجه این مقایسه، مشخص شد که معلم‌های آموزش زبان عربی به‌طور نسبی در مقایسه با معلم‌های آموزش زبان‌های انگلیسی و فارسی، نوازه بیشتری به زبان‌آموزان خود منتقل می‌کنند. آنان دلیل این امر را مرتبط به ماهیت تدریس زبان عربی در ایران و اهمیت دقیق و روان خواندن این زبان دانسته‌اند.

رجب‌نژاد، پیش‌قدم و صبوری (۲۰۱۷)، در مطالعه خود به بررسی بهره نوازه‌ای زبان‌آموزان و تأثیر آن بر اشتیاق آنان به حضور در کلاس و یادگیری زبان خارجی پرداختند. نتایج بررسی آنان نیز حاکی از آن بود که هر چه میزان نوازه دریافتی زبان‌آموزان از سوی مدرس بیشتر باشد، شاگردان نیز تمایل بیشتری برای حضور در کلاس درس و یادگیری زبان خارجی از خود بروز می‌دهند.

پیش‌قدم و فرخنده‌فال (۱۳۹۵) نیز در پژوهشی با عنوان «از نوازش تا نوازه: نگاهی به مفهوم نوازیدن در زبان دوم»، ضمن معرفی انواع نوازه‌گر و نوازنده‌شونده، کاربرد این مفاهیم را در زمینه آموزش زبان به‌طور اخص، مورد بررسی قرار دادند. نتایج پژوهش آنان نیز حاکی از آن بود که چنانچه معلم نسبت به میزان نوازه‌گری خود و نوازنده‌شوندگی شاگردان بی‌اعتنا و یا بیگانه باشد، نه تنها هم‌کنشی مؤثر میان معلم و شاگردان حاصل نخواهد شد، بلکه ناراحتی ایجاد شده ناشی از این بی‌اعتنایی، می‌تواند منجر به از بین رفتن مشارکت و در نتیجه کاهش میزان یادگیری شاگردان شود.

۳- روش پژوهش

پژوهش حاضر به‌شیوه تلفیقی (کیفی و کمی) به بررسی مؤلفه روان‌شناختی نوازه‌های دریافتی مدرسان زبان انگلیسی با در نظر گرفتن متغیر جنسیت مدرس، می‌پردازد. از آنجایی که شیوه اتخاذ شده به‌منظور نیل به هدف مورد نظر از نوع تلفیقی است، جمع‌آوری داده‌ها در دو مرحله به‌صورت کیفی و کمی صورت گرفته است.

۳-۱- بخش کیفی

۳-۱-۱- شرکت‌کنندگان بخش کیفی

در مرحله کیفی، به‌منظور انجام مصاحبه، جامعه آماری متشکل از ۲۸ مدرس زبان انگلیسی (۱۴ زن و ۱۴ مرد) از سه آموزشگاه زبان‌های خارجه فعال در شهر مشهد، بر حسب سهولت دسترسی محققان انتخاب شدند. بایسته یادآوری است که تعداد شرکت‌کنندگان در این بخش، از پیش تعیین نشده بود و از روش اشباع داده^۱ استفاده شد. مشخصات کلی حجم نمونه بر حسب جنسیت، سطح تحصیلات، سابقه تدریس، رشته تحصیلی و سن در جدول ۲ آورده شده است.

جدول شماره ۲- مشخصات کلی شرکت‌کنندگان مرحله کیفی

تعداد	مشخصات کلی شرکت‌کنندگان
جنسیت	
۱۴	زن
۱۴	مرد
سطح تحصیلات	
۳	کاردانی
۱۴	کارشناسی
۷	کارشناسی ارشد
۴	دکتری
سابقه تدریس	
۶	۲-۶
۵	۶-۱۰
۱۷	۱۰-۱۴
رشته تحصیلی	
۱۴	زبان انگلیسی
۵	زبان‌شناسی
۹	سایر رشته‌ها
سن	
۱۲	۲۱-۳۰
۶	۳۱-۴۰
۸	۴۱-۵۰
۲	+ ۵۰

۳-۲-۱- روش جمع‌آوری داده‌ها در بخش کیفی

ابزار جمع‌آوری داده‌ها در مرحله کیفی، مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته از طریق انجام گفتگوهای غیررسمی با شرکت‌کنندگان مرحله کیفی بود. مصاحبه با مدرسان در دفتر استادان و در مدت زمان به طور متوسط ۱۵ دقیقه برگزار شد. از شرکت‌کنندگان خواسته شد تا نظر خود را در ارتباط با هر یک از سؤالات طرح شده از سوی محققان، اظهار کنند. تمامی این سؤالات پیرامون این پرسش اساسی قرار داشت:

شما به عنوان یک مدرس زبان انگلیسی چه نوع نوازه‌هایی از زبان‌آموزان خود دریافت می‌کنید و چه احساسی در شما در نتیجه دریافت هر یک از انواع نوازه ایجاد می‌شود؟

پیش از شروع مصاحبه و پرسیدن سؤالات، مصاحبه‌کنندگان مفهوم نوازه را برای شرکت‌کنندگانی که با این مفهوم آشنایی نداشتند، از طریق ارائه مثال‌هایی از انواع نوازه، توضیح دادند. پس از جمع‌آوری اطلاعات مورد نیاز از شرکت‌کنندگان در مصاحبه، محققان به تحلیل کیفی اطلاعات جمع‌آوری شده پرداختند و نظرات مدرسان را به صورت جمع‌بندی ارائه دادند. به بیان دقیق‌تر، از آنجایی که بررسی تفاوت میان مدرسان زن و مرد از نظر نوازه‌های دریافتی از سوی زبان‌آموزان، به عنوان یکی از اهداف اصلی پژوهش حاضر در نظر گرفته می‌شد، محققان به منظور سنجش دقیق‌تر این تفاوت‌ها، با استفاده از کدهای استخراجی از نرم‌افزار تحلیل داده‌های کیفی مکس کیودی‌ای^۱ (نسخه ۱۰)، جهت بررسی نوازه‌های دریافتی مدرسان از سوی زبان‌آموزان، اقدام به طراحی پرسشنامه‌ای کردند.

پرسشنامه مذکور متشکل از ۳۷ سؤال و به شکل پیوستاری ۲۱ گزینه‌ای (از ۰ تا ۱۰- ارزش منفی نشان‌دهنده حس ناخوشایند)، ۰ (ارزش صفر نشان‌دهنده حس خنثی) تا ۱۰+ (اعداد مثبت نشان‌دهنده حس خوشایند) در قالب ۷ سازه کلی طراحی شد. این سازه‌ها عبارت بودند از: ۱- کلامی شرطی مثبت (۵ سؤال)، ۲- کلامی غیرشرطی مثبت (۶ سؤال)، ۳- غیرکلامی مثبت (۶ سؤال)، ۴- کلامی شرطی منفی (۵ سؤال)، ۵- کلامی غیرشرطی منفی (۶ سؤال)، ۶- غیرکلامی منفی (۷ سؤال) و ۷- عدم دریافت نوازه (۷ سؤال). به بیان دقیق‌تر، هر یک از سؤالات موجود در پرسشنامه طراحی شده، مرتبط با یکی از انواع نوازه بوده و پاسخ‌های مرتبط با هر یک، در طیفی از ۱۰- (منفی‌ترین نوازه دریافتی) تا ۱۰+ (مثبت‌ترین

نوازه دریافتی) گنجانده شده بودند. عدد صفر در این پرسشنامه نیز به‌عنوان حالت خنثی مدرس نسبت به نوازه دریافتی در نظر گرفته شد.

نکته قابل توجه در روند طراحی پرسشنامه این بود که انواع نوازه‌های دریافتی مدرسان از سوی زبان‌آموزان در ابتدا در نه دسته کلی تقسیم‌بندی شدند که عبارت بودند از نوازه‌های: ۱- کلامی شرطی مثبت، ۲- کلامی غیرشرطی مثبت، ۳- غیرکلامی شرطی مثبت، ۴- غیرکلامی غیرشرطی مثبت، ۵- کلامی شرطی منفی، ۶- کلامی غیرشرطی منفی، ۷- غیرکلامی شرطی منفی، ۸- غیرکلامی غیرشرطی منفی و ۹- عدم دریافت نوازه. در مرحله بعد، با توجه به ابهام‌انگیز بودن روند قضاوت در رابطه با تشخیص نوازه‌های غیرکلامی شرطی و غیرکلامی غیرشرطی، پژوهشگران به این اتفاق نظر رسیدند که ضمن صرف‌نظر از بررسی نوازه‌های ابهام‌برانگیز، پژوهش حاضر را تنها به مطالعه نوازه‌های غیرکلامی مثبت، کلامی شرطی مثبت، کلامی غیرشرطی مثبت، عدم دریافت نوازه، کلامی غیرشرطی منفی، کلامی شرطی منفی و غیرکلامی منفی محدود کنند. بنابراین آنچنان که گفته شد، طراحی پرسشنامه مذکور با در نظر گرفتن تعداد ۷ نوع نوازه صورت پذیرفت.

پس از طراحی پرسشنامه، در روند تأیید روایی محتوایی و صوری پرسشنامه، ابتدا پرسشنامه توسط متخصصان مورد بررسی قرار گرفت و در نتیجه آن تعداد سؤالات از ۴۲ به ۳۷ پرسش تقلیل یافت. در گام بعد، پرسشنامه در اختیار تعداد ۱۰۰ مدرس زبان انگلیسی قرار داده شد و نرمال بودن داده‌ها از طریق آزمون کلموگروف-اسمیرنف^۱ بررسی شد. از آنجایی که حجم نمونه اولیه (تعداد ۱۰۰ نفر) برای بررسی پایایی و روایی پرسشنامه از طریق نرم‌افزار آموس کافی نبود و افزون بر آن، داده‌های جمع‌آوری شده از توزیع نرمال برخوردار نبودند، محققان بر آن شدند که برای بررسی روایی و پایایی پرسشنامه، از نرم‌افزار اسمارت پی. ال. اس.^۲ استفاده نمایند. بار دیگر یادآوری می‌کنیم که دلیل استفاده از نرم‌افزار مذکور، نرمال نبودن داده‌ها (باگوزی^۳ و یی^۴، ۱۹۹۴) و مناسب بودن نرم‌افزار برای داده‌های با حجم کم (چین^۵ و نیوستد^۶، ۱۹۹۹) بود.

1- Kolmogorov-Smirnov

2- Smart PLS

3- Bagozzi, R. P.

4- Yi, Y.

5- Chin, W.W.

6- Newsted, P. R.

۳-۲- بخش کمی

۳-۲-۱- شرکت‌کنندگان بخش کمی

شرکت‌کنندگان مرحله کمی متشکل از ۱۸۱ مدرس زبان انگلیسی (۹۹ زن و ۸۲ مرد) که دامنه سنی این مدرسان بین ۲۲ تا ۴۳ سال متغیر بود و سابقه تدریسشان در آموزشگاه‌های فعال در سطح شهر مشهد از حداقل ۱ تا ۲۲ سال را در بر می‌گرفت، انتخاب شدند. رشته تحصیلی آنان شامل رشته‌های آموزش زبان انگلیسی، مترجمی زبان انگلیسی، ادبیات زبان انگلیسی، زبان‌شناسی، مهندسی برق، مدیریت ام. بی. ای، جغرافیا، دندانپزشکی و کتابداری در مقاطع کاردانی تا دکتری می‌شد (جدول ۳).

۳-۲-۲- روش جمع‌آوری داده‌ها در بخش کمی

در مرحله کمی، پس از تأیید روایی و پایایی پرسشنامه طراحی شده توسط محققان، به منظور تحلیل و بررسی کمی تفاوت میان مدرسان زن و مرد از نظر نوازه‌های دریافتی، هم‌چنان که ذکر آن رفت، پرسشنامه مذکور در اختیار ۱۸۱ مدرس زبان انگلیسی (۹۹ زن و ۸۲ مرد) قرار داده شد. پس از جمع‌آوری داده‌ها در این مرحله، تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار اس. پی. اس. اس. (نسخه ۲۱) صورت گرفت و تفاوت میان مدرسان از نظر نوازه‌های دریافتی به تفکیک جنسیت مورد بررسی قرار گرفت.

۴- تجزیه و تحلیل یافته‌های پژوهش

از آنجایی که شیوه اتخاذ شده در پژوهش حاضر از نوع تلفیقی است و در نتیجه، جمع‌آوری داده‌ها در دو مرحله کیفی و کمی صورت گرفته است، یافته‌های حاصل از آن نیز در دو بخش مجزا ارائه خواهد شد.

۴-۱- نتایج حاصل از تحلیل داده‌های کیفی

بر پایه داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها، انواع نوازه‌های دریافتی مدرسان زبان انگلیسی از سوی زبان‌آموزان به‌قرار زیر استخراج شد:

جدول شماره ۳- مشخصات کلی شرکت‌کنندگان مرحله کمی

تعداد	مشخصات کلی شرکت‌کنندگان
جنسیت	
۹۹	زن
۸۲	مرد
سطح تحصیلات	
۱۵	کاردانی
۹۵	کارشناسی
۵۳	کارشناسی ارشد
۱۸	دکتری
سابقه تدریس	
۶۷	۱-۵
۵۲	۶-۱۱
۳۴	۱۲-۱۷
۲۸	۱۸-۲۲
رشته تحصیلی	
۱۲۳	زبان انگلیسی
۱۵	زبان‌شناسی
۴۳	سایر رشته‌ها
سن	
۶۵	۲۲-۲۷
۷۳	۲۸-۳۲
۲۷	۳۳-۳۸
۱۶	۳۹-۴۳

جدول شماره ۴- آمار توصیفی کدهای استخراج شده از نرم‌افزار مکس کیودی‌ای

نوع نوازه	نمونه
غیرکلامی مثبت	داشتن ارتباط چشمی با مدرس در هنگام تدریس اهدای گل و هدیه به مدرس به منظور ابراز علاقه و رضایت از عملکرد وی توجه به حفظ تمیزی و نظم جزوات و کتاب‌های کلاسی انجام به‌موقع و صحیح تکالیف درسی ابراز نشانه‌های بازخوردی مثبت چون تکان دادن سر و... در هنگام درس
کلامی شرطی مثبت	تعریف و تمجید از دست‌خط خوانا و زیبایی مدرس تعریف و تمجید از عملکرد موفقیت‌آمیز مدرس در میان والدین، دوستان، همکاران و مسئولان آموزشگاه پرسیدن سؤال به‌منظور رفع ابهام از مباحث درسی ابراز علاقه‌مندی نسبت به یادگیری زبان انگلیسی
کلامی غیرشرطی مثبت	تعریف و تمجید از شکل ظاهری، تن صدا و یا حتی لهجه مدرس ابراز پیام‌های محبت‌آمیز و تبریک اعیاد و روزهای مهم ارسال پیام به مدرس در شبکه‌های اجتماعی ابراز خرسندی از دیدار مدرس در محیط‌های غیرآموزشی
عدم نوازه	توجه به گوشه‌های در هنگام درس خنده بی‌جا و بلند در هنگام درس عدم انجام تکالیف درسی انجام کارها و فعالیت‌های غیردرسی در کلاس درس ورود و خروج‌های بی‌دلیل و مکرر وجود زمزمه‌های بی‌مورد در کلاس عدم توجه به مدرس در هنگام تدریس نگاه نکردن به تخته در هنگام درس
کلامی غیرشرطی منفی	مطرح کردن سؤالات بی‌مورد در ارتباط با مسائل شخصی مدرس صحبت در مورد مسائل شخصی خود در کلاس درس سلام نکردن هنگام برخورد با مدرس گفتن دروغ یا آوردن بهانه برای توجیه کم‌کاری خود
کلامی شرطی منفی	ابراز بی‌میلی نسبت به یادگیری زبان انگلیسی مقایسه عملکرد مدرسان ترم‌های قبلی با مدرس ترم جاری مطرح کردن پرسش‌های ابتدایی و واضح از مباحث درسی انتقاد از نحوه تدریس مدرس به‌چالش کشیدن مدرس از طریق مطرح کردن سؤالات بی‌ربط و بی‌مورد
غیرکلامی منفی	چک کردن مداوم ساعت مورد تمسخر قرار دادن مدرس به دلیل بروز خطا بی‌تفاوت بودن نسبت به پرسش‌های کلاسی نوشتن بیش از حد جزوه بجای گوش دادن به مدرس بی‌احترامی کردن به مدرس

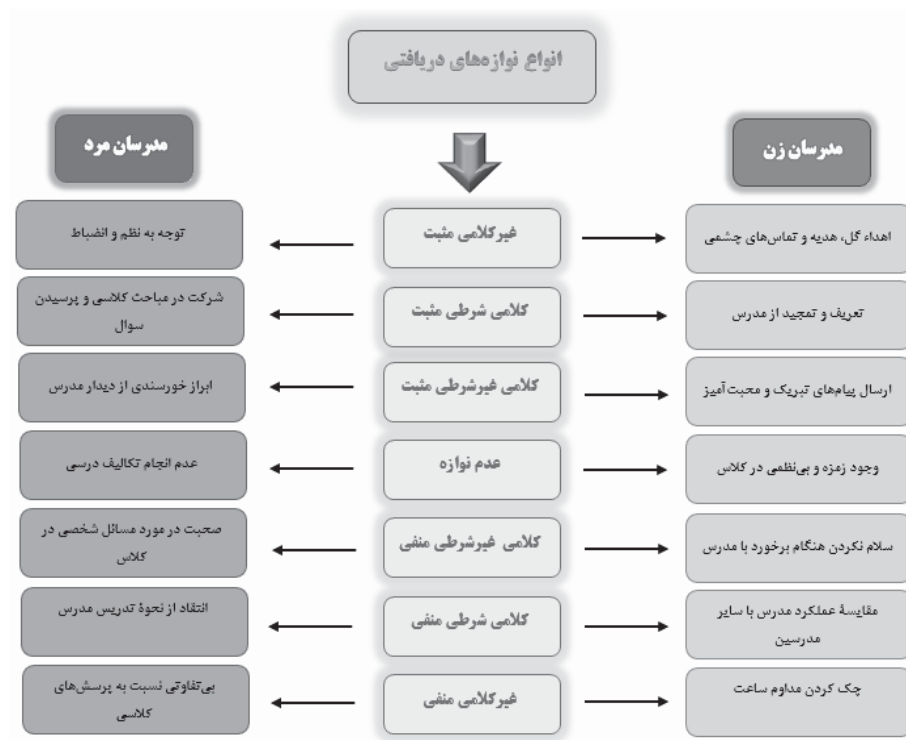
در جدول ۵، فراوانی کدهای شناسایی شده برای نوازه‌های دریافتی مدرسان زن و مرد که در نتیجه تحلیل‌های صورت گرفته از داده‌های کیفی حاصل شد، به تفکیک آورده شده است.

جدول شماره ۵- آمار توصیفی کدهای استخراج شده از نرم‌افزار مکس کیودی‌ای

درصد نوازه براساس جنسیت		فراوانی نوازه براساس جنسیت		درصد کدها در میان کل مدرسان	فراوانی کدها در کل مصاحبه‌ها	کدهای استخراجی از داده‌های مصاحبه
مرد	زن	مرد	زن			
%۵۷,۱۴	%۴۲,۸۵	۱۶	۱۲	%۱۵,۱۸	۲۷	غیرکلامی مثبت
%۴۲,۸۵	%۵۷,۱۴	۱۲	۱۶	%۱۳,۱۱	۲۶	کلامی شرطی مثبت
%۴۶,۴۲	%۵۳,۵۷	۱۳	۱۵	%۱۵,۱۲	۲۷	کلامی غیرشرطی مثبت
%۵۰	%۵۰	۱۴	۱۴	%۱۶,۲۱	۲۸	عدم نوازه
%۵۲,۱۴	%۴۲,۸۵	۱۶	۱۲	%۱۲,۰۲	۲۵	کلامی غیرشرطی منفی
%۵۳,۵۷	%۴۶,۴۲	۱۵	۱۳	%۱۲,۵۲	۲۶	کلامی شرطی منفی
%۵۰	%۵۰	۱۴	۱۴	%۱۵,۸۴	۲۷	غیرکلامی منفی

یافته‌های جدول ۵ حاکی از آن است که از میان ۷ نوع نوازه مورد بررسی، فراوانی عدم دریافت نوازه در میان مدرسان زن و مرد به طور مشترک از همه بیشتر بوده است. اما چنانچه بخواهیم نوع نوازه دریافتی مدرسان زن و مرد را به تفکیک بررسی کنیم، یافته‌ها نشان می‌دهد که بیشترین فراوانی نوازه دریافتی برای مدرسان زن به نوازه‌های کلامی شرطی مثبت و برای مدرسان مرد به نوازه‌های غیرکلامی مثبت اختصاص داشته است. به بیان دقیق‌تر، زبان‌آموزان در صورت انتقال نوازه، به مدرسان زن خود بیشتر نوازه کلامی شرطی مثبت و به مدرسان مرد، نوازه غیرکلامی مثبت انتقال داده‌اند.

در شکل ۲، نمونه‌هایی از پربسامدترین انواع نوازه که توسط مدرسان زن و مرد در مصاحبه‌ها بدان‌ها اشاره شده است، به تفکیک جنسیت آورده شده است.



شکل ۲- مقایسه کیفی انواع نوازه‌های دریافتی مدرسان براساس جنسیت

براساس داده‌های جدول ۵ و دسته‌بندی ارائه شده در شکل ۲، می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که در مجموع آنچه ممکن است برای یک مدرس زن نوازه مثبت در نظر گرفته شود، از نظر یک مدرس مرد می‌تواند نوازه منفی باشد و برعکس. به بیان دیگر، نه تنها مصادیق انواع نوازه برای مدرسان مرد و زن متفاوت بوده، بلکه تأثیراتی که این نوازه‌ها می‌توانند بر مدرسان داشته باشند نیز متفاوت خواهد بود.

۴-۲- نتایج حاصل از تحلیل داده‌های کمی

داده‌های کمی در دو بخش مستقل سنجش روایی و پایایی پرسشنامه طراحی شده و تحلیل داده‌های حاصل از پرسشنامه‌ها قابل ارائه می‌باشد.

۴-۲-۱- سنجش روایی و پایایی پرسشنامه

به منظور سنجش پایایی پرسشنامه طراحی شده، از ضریب آلفای کرونباخ^۱ باید استفاده می‌شد. اما از آنجایی که در ارتباط با این ضریب، فرض بر آن است که تمامی شاخص‌های هر سازه دارای اهمیت یکسانی می‌باشند، پایایی از طریق معیار پایایی مرکب (CR) یا معیار ρ دیلون- گلدشتاین نیز مورد بررسی قرار گرفت. با توجه به این که در معیار پایایی مرکب، مؤلفه‌های دارای بار عاملی بیشتر، از اهمیت بیشتری نیز برخوردار هستند، این معیار در مقایسه با آلفای کرونباخ می‌تواند معیار دقیق‌تر و معتبرتری در نظر گرفته شود. همچنین یادآوری این نکته ضروری است که ارزش قابل قبول برای هر دو معیار مذکور ۰,۷ در نظر گرفته شده است.

به منظور سنجش روایی همگرایی پرسشنامه نیز، میانگین واریانس استخراج شده (AVE) محاسبه شد. در این میانگین، میانگین واریانس مشترک بین سازه و مؤلفه‌هایش مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. حداقل مقدار قابل قبول برای این شاخص، ۰,۵ بوده و مقدار بالاتر از آن، با فرض آن که متغیر پنهان مورد نظر دارای واریانس مشترک بیشتری با مؤلفه‌هایش نسبت به هر متغیر پنهان دیگر باشد، روایی ابزار اندازه‌گیری را تأیید می‌نماید. روایی واگرایی پرسشنامه نیز توسط معیار فورنل-لارکر محاسبه شد. براساس این معیار، میزان میانگین واریانس استخراج شده برای هر سازه باید بیشتر از واریانس اشتراکی بین آن سازه و دیگر سازه‌های مدل باشد. این مورد از طریق یک ماتریس همبستگی در نرم افزار PLS نمایش داده می‌شود. در جدول زیر، شاخص‌های ارزیابی پایایی و روایی برای هر یک از سازه‌های پرسشنامه به تفکیک آورده شده است.

براساس جدول ۶، از آنجایی که مقدار ضریب آلفای کرونباخ و پایایی مرکب برای تمام سازه‌های پرسشنامه، بیشتر از مقدار بحرانی ۰,۷ است، پرسشنامه طراحی شده از پایایی قابل قبول برخوردار است. افزون بر این، با توجه به این که مقدار میانگین واریانس استخراج شده

برای هر سازه نیز بیشتر از ۰/۵ است (این به معنای بیشتر بودن ارزش واریانس مشترک سازه‌ها و مؤلفه‌هایشان از ارزش واریانس مشترک سازه‌ها با یکدیگر است)، روایی همگرایی پرسشنامه نیز قابل تأیید است.

جدول شماره ۶- شاخص‌های ارزیابی پایایی و روایی پرسشنامه

سازه	ضریب آلفای کرونباخ	پایایی مرکب (CR)	میانگین واریانس استخراج شده (AVE)
غیرکلامی مثبت	۰/۷۱	۰/۷۴	۰/۵۶
کلامی شرطی مثبت	۰/۷۳	۰/۷۷	۰/۶۱
کلامی غیرشرطی مثبت	۰/۷	۰/۷۲	۰/۵۰
عدم نوازه	۰/۷۳	۰/۷۶	۰/۵۶
کلامی غیرشرطی منفی	۰/۷۶	۰/۷۸	۰/۵۴
کلامی شرطی منفی	۰/۸۱	۰/۸۳	۰/۶۲
غیرکلامی منفی	۰/۷۸	۰/۸۱	۰/۵۲

براساس آنچه در جدول ۷ آمده است، مقدار جذر AVE متغیرهای پنهان (سازه‌ها) در پژوهش حاضر که در دو قطر اصلی ماتریس همبستگی قرار دارند، از مقدار همبستگی میان آن‌ها که در خانه‌های سمت چپ و زیرین قطر اصلی واقع شده‌اند، بیشتر است. بر این اساس، می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که در پژوهش حاضر، متغیرهای پنهان با مؤلفه‌های خود در مقایسه با دیگر متغیرهای پنهان، همبستگی بیشتری داشته و بنابراین، روایی واگرایی پرسشنامه نیز تأیید می‌شود.

جدول شماره ۷- ضرایب فورنل و لارکر در ارزیابی روایی واگرا

سازه	غیرکلامی مثبت	کلامی شرطی مثبت	کلامی غیرشرطی مثبت	عدم نوازه	کلامی غیرشرطی منفی	کلامی شرطی منفی	غیرکلامی منفی
غیرکلامی مثبت	۰/۷۴						
کلامی شرطی مثبت	۰/۴۹	۰/۷۸					
کلامی غیرشرطی مثبت	۰/۷۱	۰/۳۲	۰/۷۰				
عدم نوازه	۰/۰۸	۰/۱۰	۰/۴۱	۰/۷۴			
کلامی غیرشرطی منفی	۰/۳۳	۰/۵۵	۰/۳۴	۰/۱۵	۰/۷۳		
کلامی شرطی منفی	۰/۲۵	۰/۱۲	-۰/۱۱	۰/۳۳	۰/۲۱	۰/۷۸	
غیرکلامی منفی	۰/۱۴	-۰/۰۵	۰/۳۱	۰/۰۱	۰/۴۸	۰/۶۱	۰/۷۲

۴-۲-۲- تحلیل داده‌های کمی حاصل از پرسشنامه

همان‌طور که پیش از این گفته شد، پس از تأیید پایایی و روایی پرسشنامه طراحی شده توسط محققان، پرسشنامه مذکور در اختیار ۱۸۱ مدرس زبان انگلیسی (۹۹ زن و ۸۲ مرد) قرار داده شد. به‌منظور تحلیل داده‌های حاصل از پرسشنامه‌ها در بخش کمی، از نرم‌افزار اس. پی. اس. اس (نسخه ۲۱) استفاده شد. در گام نخست، آمار توصیفی از داده‌های جمع‌آوری شده در جدول ۸ قابل ارائه می‌باشد. به‌منظور اجتناب از تکرار سازه‌ها، از علائم اختصاری انگلیسی آن‌ها در جداول استفاده شده است (غیرکلامی مثبت (NP)، غیرکلامی منفی (NN)، کلامی شرطی مثبت (VCP)، کلامی غیرشرطی مثبت (VUP)، کلامی غیرشرطی منفی (VUN)، کلامی شرطی منفی (VCN)، عدم دریافت نوازه (LS)).

جدول شماره ۸- آمار توصیفی داده‌های حاصل از پرسشنامه برای مدرسان زبان انگلیسی زن و مرد

جنسیت		Mean		95% Confidence Interval for Mean		Std. Deviation	Minimum	Maximum
				Lower Bound	Upper Bound			
		Statistic	Std. Error	Statistic	Statistic	Statistic	Statistic	Statistic
زن	NP	۹۵,۶۹۱۲	.۷۳۴۵۹	۹۴,۲۲۴۹	۹۷,۱۵۷۴	۶,۰۵۷۵۸	۷۹,۰۰	۱۰۱,۰۰
	NN	۱۵,۹۷۰۶	۱,۰۷۴۴۸	۱۳,۸۲۵۹	۱۸,۱۱۵۳	۸,۸۶۰۳۹	۵,۰۰	۶۷,۰۰
	VCP	۹۱,۶۱۷۶	.۸۶۱۸۴	۸۹,۸۹۷۴	۹۳,۳۳۷۹	۷,۱۰۶۹۲	۶۹,۰۰	۱۰۱,۰۰
	VUP	۹۶,۳۰۸۸	.۵۶۱۵۲	۹۵,۱۸۸۰	۹۷,۴۲۹۶	۴,۶۳۰۳۹	۸۵,۰۰	۱۰۵,۰۰
	VUN	۲۲,۷۷۹۴	۱,۹۰۶۱۴	۱۸,۹۷۴۷	۲۶,۵۸۴۱	۱۵,۷۱۸۴۶	۵,۰۰	۱۱۹,۰۰
	VCN	۲۴,۵۱۴۷	۱,۲۸۹۴۳	۲۱,۹۴۱۰	۲۷,۰۸۸۴	۱۰,۶۳۲۹۴	۶,۰۰	۴۸,۰۰
	LS	۲۲,۴۵۵۹	۱,۲۲۷۵۱	۲۰,۰۰۵۸	۲۴,۹۰۶۰	۱۰,۱۲۲۲۹	۶,۰۰	۴۹,۰۰
مرد	NP	۹۰,۶۲۰۰	۲,۰۲۲۳۰	۸۶,۵۵۶۰	۹۴,۶۸۴۰	۱۴,۲۹۹۸۴	۱۰,۰۰	۱۰۱,۰۰
	NN	۱۷,۷۰۰۰	۱,۱۱۵۸۴	۱۵,۴۵۷۶	۱۹,۹۴۲۴	۷,۸۹۰۱۹	۵,۰۰	۴۰,۰۰
	VCP	۸۷,۰۰۰۰	۱,۶۶۵۵۰	۸۳,۶۵۳۱	۹۰,۳۴۶۹	۱۱,۷۷۶۸۴	۶۰,۰۰	۱۰۰,۰۰
	VUP	۹۶,۵۴۰۰	۲,۱۱۳۱۷	۹۲,۲۹۳۴	۱۰۰,۷۸۶۶	۱۴,۹۴۲۳۵	۷۱,۰۰	۱۸۸,۰۰
	VUN	۱۹,۵۸۰۰	۱,۳۷۲۹۴	۱۶,۸۲۱۰	۲۲,۳۳۹۰	۹,۷۰۸۱۷	۵,۰۰	۴۶,۰۰
	VCN	۲۰,۶۴۰۰	۱,۳۷۰۱۷	۱۷,۸۸۶۵	۲۳,۳۹۳۵	۹,۶۸۸۵۴	۷,۰۰	۴۵,۰۰
	LS	۲۷,۰۰۰۰	۱,۶۶۱۸۲	۲۳,۶۶۰۵	۳۰,۳۳۹۵	۱۱,۷۵۰۸۱	۷,۰۰	۵۰,۰۰

به‌منظور بررسی نرمال بودن داده‌های^۱ جمع‌آوری شده، از آزمون کلموگروف-اسمیرنوف^۲ بهره گرفته شد که نتایج آن در جدول ۹ قابل ارائه می‌باشد.

1- Tests of Normality

2- Kolmogorov-Smirnova

جدول شماره ۹- بررسی نرمال بودن داده‌های حاصل از پرسشنامه برای مدرسان زن و مرد

	جنسیت	Kolmogorov-Smirnova			Statistic	df	
		Statistic	df	Sig.			
زن	زن	.۲۶۶	۶۸	.۰۰۰	.۷۸۰	۶۸	.۰۰۰
	مرد	.۲۳۴	۵۰	.۰۰۰	.۶۲۸	۵۰	.۰۰۰
زن	زن	.۱۱۶	۶۸	.۰۲۵	.۷۷۳	۶۸	.۰۰۰
	مرد	.۱۶۵	۵۰	.۰۰۲	.۹۳۲	۵۰	.۰۰۷
زن	زن	.۰۹۳	۶۸	.۲۰۰*	.۹۳۸	۶۸	.۰۰۲
	مرد	.۱۷۵	۵۰	.۰۰۱	.۸۹۴	۵۰	.۰۰۰
زن	زن	.۱۳۱	۶۸	.۰۰۵	.۹۶۱	۶۸	.۰۳۳
	مرد	.۲۸۹	۵۰	.۰۰۰	.۵۳۲	۵۰	.۰۰۰
زن	زن	.۱۸۳	۶۸	.۰۰۰	.۷۰۰	۶۸	.۰۰۰
	مرد	.۱۸۴	۵۰	.۰۰۰	.۹۲۱	۵۰	.۰۰۳
زن	زن	.۱۴۴	۶۸	.۰۰۱	.۹۵۸	۶۸	.۰۲۴
	مرد	.۱۶۷	۵۰	.۰۰۱	.۹۳۲	۵۰	.۰۰۷
زن	زن	.۱۷۵	۶۸	.۰۰۰	.۹۲۰	۶۸	.۰۰۰
	مرد	.۰۹۸	۵۰	.۲۰۰*	.۹۶۷	۵۰	.۱۶۹

با توجه به جدول ۹، از آنجایی که هیچ‌یک از آزمون‌های کلموگروف اسمیرنوف و شاپیرو ویلک^۱، توزیع نرمال سازه‌های پرسشنامه را مورد تأیید قرار نمی‌دادند، به منظور بررسی تفاوت میان نوازه‌های دریافتی مدرسان زبان انگلیسی زن و مرد، امکان استفاده از آزمون پارامتری تی-تست وجود نداشت و محققان از معادل این آزمون در آزمون‌های غیرپارامتری که همان آزمون من‌ویتنی^۲ می‌باشد، استفاده کردند. بنابراین، هر یک از سازه‌ها به‌طور مجزا براساس جنسیت

1- Shapiro-Wilk

2- Mann-Whitney U

مدرس مقایسه شدند که نتایج برآورده از این بررسی، در جدول ۱۰ برای هر سازه نشان داده شده است.

جدول شماره ۱۰- مقایسه میانگین داده‌های مرتبط با انواع نوازه

Test Statistics				
	Mann-Whitney U	Wilcoxon W	Z	Asymp. Sig. (2-tailed)
غیرکلامی مثبت	۱۳۰۱/۰۰۰	۲۵۷۶/۰۰۰	-۲/۱۸۷	۰/۰۲۹
غیرکلامی منفی	۱۴۶۴/۰۰۰	۳۸۱۰/۰۰۰	-۱/۲۸۸	۰/۱۹۸
کلامی شرطی مثبت	۱۳۷۳/۵۰۰	۲۶۴۸/۵۰۰	-۱/۷۸۲	۰/۰۷۵
کلامی غیرشرطی مثبت	۱۵۵۶/۰۰۰	۲۸۳۱/۰۰۰	-۰/۷۸۸	۰/۴۳۱
کلامی غیرشرطی منفی	۱۵۴۷/۰۰۰	۲۸۲۲/۰۰۰	-۰/۸۳۵	۰/۴۰۴
کلامی شرطی منفی	۱۳۱۸/۰۰۵	۲۵۹۳/۰۰۵	-۲/۰۸۰	۰/۰۳۸
عدم دریافت نوازه	۱۳۱۱/۰۰۰	۳۶۵۷/۰۰۰	-۲/۱۲۰	۰/۰۳۴

a. Grouping Variable: gender

نتایج حاصل از آزمون من‌ویتنی برای انواع نوازه که در جدول ۱۰ گزارش شده است، به قرار زیر قابل تفسیرند:

نتایج مقایسه میانگین داده‌های مرتبط با نوازه غیرکلامی مثبت: بیانگر وجود تفاوت معنادار میان حس خوشایند و ناخوشایند حاصل از دریافت این نوع نوازه در میان مدرسان زن و مرد زبان انگلیسی است (مقدار احتمال = $0,029 < 0,05$). با توجه به یافته‌های گزارش شده در این جدول و میانگین این نوع نوازه برای مدرسان زن و مرد، این نتیجه حاصل می‌شود که مدرسان زن در مقایسه با مدرسان مرد، این نوع نوازه را بیشتر ترجیح می‌دهند (میانگین زن‌ها = $90,69$ ، میانگین مردها = $90,62$).

نتایج مقایسه میانگین داده‌های مرتبط با نوازه غیرکلامی منفی: طبق نتایج حاصل از آزمون من‌ویتنی برای نوازه غیرکلامی منفی، بین حس ناخوشایند مدرسان زن و مرد زبان انگلیسی در دریافت این نوع نوازه، تفاوت معناداری وجود ندارد؛ بدین معنی که حس ناخوشایند مدرسان زبان انگلیسی زن و مرد نسبت به دریافت این نوع نوازه، تقریباً به مقدار یکسان است (مقدار احتمال = $0,198 < 0,05$).

نتایج مقایسه میانگین داده‌های مرتبط با نوازه کلامی شرطی مثبت: در ارتباط با نوازه کلامی شرطی مثبت میان مدرسان زن و مرد زبان انگلیسی تفاوت معناداری وجود ندارد؛ به بیان دقیق‌تر، مدرسان زبان انگلیسی زن و مرد هر دو به میزان نسبتاً یکسان و برابری نسبت به دریافت این نوع نوازه احساس خوشایندی خواهند داشت (مقدار احتمال: $0,075 < 0,05$).

نتایج مقایسه میانگین داده‌های مرتبط با نوازه کلامی غیرشرطی مثبت: یافته‌های مرتبط با نوازه کلامی غیرشرطی مثبت نیز بار دیگر وجود تفاوت معنادار میان حس خوشایند و ناخوشایند در مدرسان زبان انگلیسی زن و مرد که در نتیجه دریافت این نوع نوازه ایجاد می‌شود را رد می‌کنند (مقدار احتمال = $0,431 < 0,05$).

نتایج مقایسه میانگین داده‌های مرتبط با نوازه کلامی غیرشرطی منفی: نتایج بدست آمده از آزمون من‌ویتنی برای نوازه کلامی غیرشرطی منفی، گویای آن است که بین حس خوشایند و ناخوشایند مدرسان زبان انگلیسی زن و مرد در دریافت این نوع نوازه تفاوت معناداری وجود ندارد (مقدار احتمال = $0,404 < 0,05$).

نتایج مقایسه میانگین داده‌های مرتبط با نوازه کلامی شرطی منفی: بنا بر نتایج برآورده از آزمون من‌ویتنی برای نوازه کلامی شرطی منفی، تفاوت میان حس خوشایند و ناخوشایند مدرسان زبان انگلیسی زن و مرد در دریافت این نوع نوازه، معنادار است (مقدار احتمال = $0,038 < 0,05$). بنابراین، با در نظر گرفتن نتایج گزارش شده در ارتباط با میانگین این نوع نوازه برای مدرسان زن و مرد، می‌توان این چنین نتیجه‌گیری کرد که مدرسان مرد در مقایسه با مدرسان زن، حس ناخوشایندتری نسبت به دریافت این نوع نوازه خواهند داشت (میانگین زنان = $24,51$ ، میانگین مردان = $20,64$).

نتایج مقایسه میانگین داده‌های مرتبط با عدم دریافت نوازه: در ارتباط با شرایط عدم دریافت نوازه، می‌توان چنین استنباط کرد که میان حس خوشایند و ناخوشایند مدرسان زبان انگلیسی زن و مرد در دریافت این نوع نوازه، تفاوت معناداری وجود دارد (مقدار احتمال = $0,034 < 0,05$) که با توجه به یافته‌های جدول ۶ و میانگین گزارش شده در این جدول برای

مدرسان زن و مرد، این نتیجه قابل حصول است که مدرسان زن نسبت به مدرسان مرد از حس ناخوشایندتری نسبت به عدم دریافت نوازه از سوی زبان‌آموزان خود برخوردار خواهند بود (میانگین زنان = ۲۲,۴۵ > میانگین مردان = ۲۷,۰۰). به بیان دقیق‌تر، عدم دریافت نوازه از سوی زبان‌آموزان برای مدرسان زن در مقایسه با مدرسان مرد، ناخوشایندتر تلقی می‌شود. نتایج حاصل از مقایسه کمی میانگین داده‌های مرتبط با انواع نوازه‌های دریافتی مدرسان زن و مرد، در جدول ۱۱ به‌طور خلاصه آورده شده است.

جدول شماره ۱۱- مقایسه میانگین داده‌های مرتبط با انواع نوازه‌های دریافتی مدرسان زن و مرد

انواع نوازه	نوع تفاوت	نتیجه مقایسه
غیر کلامی مثبت	معنادار	زن < مرد
کلامی شرطی مثبت	عدم معنادار	زن < مرد
کلامی غیرشرطی مثبت	عدم معنادار	زن > مرد
عدم نوازه	معنادار	زن > مرد
کلامی غیرشرطی منفی	عدم معنادار	زن < مرد
کلامی شرطی منفی	معنادار	زن < مرد
غیر کلامی منفی	عدم معنادار	زن > مرد

براساس آنچه در جدول ۱۱ آمده است، نتایج تحلیل داده‌های کمی حاکی از آن است که میان مدرسان زن و مرد زبان انگلیسی از نظر حس خوشایند یا ناخوشایندی که در نتیجه دریافت انواع نوازه‌های غیرکلامی مثبت، عدم نوازه و کلامی شرطی منفی از سوی زبان‌آموزان ایجاد می‌شود، تفاوت معنادار است و در ارتباط با سایر انواع نوازه، تفاوت معناداری میان بهره‌نوازه‌ای مدرسان زن و مرد مشاهده نشد. به بیان دقیق‌تر، مدرسان زن زبان انگلیسی در مقایسه با مدرسان مرد، از میان انواع نوازه، احساس خوشایندتری نسبت به دریافت نوازه‌های غیرکلامی مثبت، کلامی غیرشرطی منفی و کلامی شرطی منفی دارند. همچنین، در شرایط عدم دریافت نوازه، مدرسان زن نسبت به مدرسان مرد از احساس ناخوشایندتری برخوردار خواهند بود.

۵- بحث و نتیجه‌گیری

نظر بر اهمیت نوازه‌های دریافتی مدرسان از سوی زبان‌آموزان در کلاس‌های درس و محیط‌های آموزشی و نقش کلیدی این عوامل روانشناختی در ایجاد انگیزه مؤثر برای ارائه تدریس و خدمات آموزشی کارآمدتر و مؤثرتر، در این پژوهش بر آن شدیم تا ضمن بررسی انواع نوازه‌های دریافتی مدرسان زبان انگلیسی در کلاس‌های آموزش زبان خارجی، به طراحی پرسشنامه‌ای به منظور سنجش تفاوت میان حس دریافتی (خوشایند یا ناخوشایند) مدرسان زن و مرد زبان انگلیسی در نتیجه دریافت انواع نوازه از سوی زبان‌آموزان بپردازیم. بدین منظور، ابتدا نوازه‌های دریافتی مدرسان براساس دسته‌بندی پیشنهادی استوارت و جوونز (۱۹۸۷) مورد تحلیل و بررسی قرار گرفت. سپس، از طریق مصاحبه‌های انجام گرفته با تعدادی از این مدرسان، پرسشنامه‌ای طراحی و روایی و پایایی آن با استفاده از نرم‌افزار پی. ال. اس. مورد تأیید واقع شد. سرانجام، تفاوت میان حس ایجاد شده در مدرسان زبان انگلیسی زن و مرد در نتیجه نوازه‌های دریافتی از سوی زبان‌آموزان با استفاده از پرسشنامه طراحی شده مورد بررسی کمی واقع شد. بی‌تردید، ارتباط مؤثر به‌عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل در موفقیت مدرس قابل طرح است. در واقع ارتباط مؤثر مدرس با زبان‌آموزان سبب می‌شود که مدرس با رقبت و انگیزه بیشتری در کلاس درس ایفای نقش کند و بدین وسیله به رضایت بیشتر از کار نایل شده و در نهایت در افزایش بهره‌وری از فعالیت و تحقق اهداف آموزشی مفید فایده واقع گردد. بنابراین، ارتباط مؤثر و کارآمد، یک ضرورت بنیادین دوسویه بین معلم و شاگرد به‌شمار می‌رود که موجبات افزایش انگیزه و تلاش بیشتر برای رسیدن به نتایج دلخواه را فراهم می‌آورد. به‌ویژه در کلاس‌های آموزشی زبان دوم که میزان ارتباطات گفتاری و غیرگفتاری به‌طرز چشمگیرتری افزایش می‌یابد، نوازه به‌عنوان یک عامل روانشناختی برانگیزاننده انگیزه (پیش‌قدم و خواجه‌جوی، ۲۰۱۴) می‌تواند نقش مهمی در کارآمدی روند آموزش ایفا کند. بنابراین، با توجه به نقش کلیدی این عامل روانشناختی در ایجاد انگیزه در افراد، طرح این پرسش منطقی خواهد بود که آیا نیاز به دریافت نوازه تنها در انحصار شاگرد قرار می‌گیرد و یا مدرسان نیز به‌عنوان یکی از ابعاد این ارتباط از دریافت آن بی‌نیاز نیستند؟ به‌طور قطع پاسخ به پرسش اخیر این خواهد بود که مدرسان نیز همانند شاگردان، نیاز به دریافت نوازه را به‌طور ذاتی در وجود خود احساس می‌کنند. به‌بیان دقیق‌تر، عدم دریافت نوازه و یا دریافت نوازه منفی در درازمدت می‌تواند بر روی عملکرد مدرس تأثیر منفی گذاشته و اختلالاتی در عملکرد وی ایجاد کند (یزدان‌پور، ۲۰۱۵).

مهم‌ترین پرسشی که این نوشتار در پی یافتن پاسخ برای آن است این‌که نظر به وجود تفاوت‌های ارتباطی بنیادین میان زنان و مردان، آیا میان مدرسان زن و مرد از نظر تمایل به دریافت انواع مختلف نوازه، تفاوت وجود دارد یا خیر؟ به بیان دیگر، آیا نوازه‌های مختلف بر روی مدرسان زن و مرد می‌توانند تأثیرات یکسان یا مختلفی ایجاد نمایند؟ نتایج و یافته‌های حاصل از پژوهش حاضر حاکی از وجود تفاوت‌های بنیادین میان مدرسان زن و مرد در تمایل برای دریافت انواع خاصی از نوازه بود. توضیح آنکه، از آنجایی که مردان و زنان در عقاید، آرزوها، امیال، رفتارها و شخصیت به هم شبیه نیستند، تفاوت‌های ارتباطی بنیادین بین آن‌ها نیز که از همین بی‌شبهاتی منتج می‌شود، به وضوح مشهود است. شناخت و آگاهی از تفاوت‌های فردی، استعدادها، عوامل انگیزشی، چگونگی تشویق و تنبیه، شخصیت افراد و مسائلی از این دست در میان زنان و مردان، می‌تواند دست‌اندرکاران گستره آموزش را در شناخت بهتر افراد و نیازهایشان یاری رساند. زیرا بدون شناخت جنبه‌های روانی و رفتاری افراد در سازمان، نمی‌توان انتظار داشت که سازمان به سمت موفقیت و کامیابی گام بردارد.

بر پایه یافته‌های پژوهش حاضر می‌توان چنین ادعا نمود که مدرسان زن بنا به دلایل ویژگی‌های شخصیتی و ذاتی خود، در مقایسه با مدرسان مرد، احساس مثبت‌تر و در نتیجه تمایل بیشتری نسبت به دریافت نوازه از سوی زبان‌آموزان از خود بروز می‌دهند. به بیان دقیق‌تر، از آنجایی که زنان به لحاظ ماهیت روانشناختی، از روحیه تعاملی^۱ (کیویکانگاس^۲، کتسیری^۳، جارولای^۴ و راواجا^۵، ۲۰۱۴) برخوردارند، استمرار هم‌کنشی برای آنان حائز اهمیت بوده و در نتیجه، شیوه برقراری هم‌کنشی برایشان اهمیت دارد. طبیعی خواهد بود در چنین شرایطی به منظور برقراری و استمرار هم‌کنشی، ضرورت استفاده و بکارگیری انواع مختلف نوازه اهمیت بیشتری در مقایسه با مردان پیدا می‌کند. به بیان دیگر، از آنجایی که مباحث ارتباطی در زنان برجسته‌تر و پرننگ‌تر از مردان می‌باشد، طبیعی است که نیاز به دریافت نوازه که نشانه تأیید از سوی مخاطب می‌باشد، در زنان بیشتر خواهد بود. در مقابل مردان، به دلیل برخورداری از روحیه رقابتی^۶، به سایر شرکت‌کنندگان در هم‌کنشی، اهمیت چندانی نمی‌دهند و در واقع، شیوه

1- Cooperative

2- Kivikangas, J. M.

3- Kätsyri, J.

4- Järvelä, S.

5- Ravaja, N.

6- Competitive

برخورد و واکنش مخاطب برایشان فاقد اهمیت بوده و بیشتر تمرکز خود را بر روی هدف قرار می‌دهند. به‌بیان ساده، نیاز به دریافت نوازه و تأیید از سوی مخاطب در مردان کمتر بوده و به همین دلیل، حتی شرایط عدم دریافت نوازه نمی‌تواند اسباب رنجش آن‌ها را فراهم آورد. دلیل بروز تمایل کمتر نسبت به دریافت نوازه در مردان نسبت به زنان همچنین ریشه در سطح بالاتر اعتماد به نفس در مردان دارد. از آنجایی که مردان به‌طور میانگین از سطح اعتماد به نفس بالاتری نسبت به زنان برخوردار بوده، حتی در صورت دریافت نوازه منفی، در عملکرد آنان خللی وارد نخواهد شد.

در مجموع می‌توان چنین جمع‌بندی نمود که زنان به دلیل داشتن ویژگی‌هایی چون: الف- توجه به آهنگ‌های ظریف صدا، ب- تمرکز بر علایم ظاهری در ارتباطات غیرکلامی و پی بردن به روحیات طرف مقابل به واسطه دقت، پ- دریافت مداوم اطلاعات از محیط و تجزیه و تحلیل آن‌ها، ت- نیاز به تأیید و تصدیق دیگران، ث- توانایی بیشتر در رمزگذاری و رمزگشایی و قضاوت هیجانات و عواطف، ج- رؤیت هیجانات در گفتار و چهره دیگران و چ- نارضایتی از عملکرد خود، احساس نیاز بیشتری نسبت به دریافت انواع نوازه در مقایسه با مردان از خود بروز می‌دهند. در مقابل، مردان به دلیل داشتن روحیاتی چون الف- برخورداری از سطح اعتماد به نفس بالاتر، ب- اهمیت بیشتر قائل شدن برای درآمد و نتیجه در کار به جای اعتماد و حمایت، پ- شخصی نگاه نکردن به مسائل، ت- برخورداری از دقت کلی و جامع و بی تفاوتی نسبت به جزئیات (نصراصفهانی، نصراصفهانی و عالم، ۱۳۹۱)، آزادی بیشتری در زمینه نیاز به دریافت نوازه از سوی مخاطب در خود احساس می‌نمایند.

در پایان می‌توان چنین اظهارنظر کرد که از آنجایی که مدرس به‌عنوان مهم‌ترین رکن در فرایند آموزش و یادگیری نقش بسزایی ایفا می‌کند، پرداختن به ابعاد و جنبه‌های مختلف فردی، اجتماعی، روانشناختی، روحی و حتی جسمی او از الزامات زمینه آموزش به‌شمار می‌آید. همان‌طور که پیش از این عنوان شد، علیرغم نقش تعیین‌کننده معلم در تضمین بقای حرکت جامعه، متأسفانه در مقایسه با شاگرد، کمتر موضوع بحث پژوهش‌ها و مقالات قرار گرفته است. بر این اساس پیشنهاد می‌شود به منظور رفع خلاء پژوهش در این زمینه، در پژوهش‌های آتی نوازه‌های دریافتی معلم از زوایای مختلف چون نوازه‌های دریافتی از سوی همکاران، مدیران و سوپروایزرهای آموزشگاه‌ها، والدین زبان‌آموزان، اعضاء خانواده مدرسان و حتی از سوی محیط‌ها و کتاب‌های آموزشی مورد بررسی قرار گیرد. همچنین، از آنجایی که پژوهش حاضر تنها با در نظر گرفتن مدرسان زبان انگلیسی به‌انجام رسیده بود، پیشنهاد می‌شود که

پژوهشی مشابه با هدف بررسی معلمان سایر دروس انجام گیرد و نتایج آن مطالعات با نتایج حاصل از پژوهش حاضر سنجیده شود. افزون بر این، از آنجایی که مفهوم نوازه بیشتر در هم‌کنشی‌های دو جانبه از سوی معلم و شاگرد معنا می‌یابد، پیشنهاد می‌شود که پژوهشی مشابه با در نظر گرفتن تمایلات شاگردان در انتقال انواع مختلف نوازه به مدرسان، برحسب جنسیت مدرس و شاگردان نیز انجام گیرد. به بیان دقیق‌تر، در پژوهشی دیگر از دیدگاه شاگردان، بررسی شود که بیشتر آنان به مدرسان مرد و زن خود چه نوازه‌هایی را انتقال می‌دهند.

۶- منابع

- ابوالقاسمی، ع. (۱۳۸۶). مقایسه راهبردهای انگیزش برای یادگیری و پیشرفت تحصیلی در دانش‌آموزان مدارس طرح آموزشی رشد و عادی. نشریه اندیشه‌های نوین تربیتی، ۳(۱)، ۷۳-۸۶.
- پیش‌قدم، ر. و فرخنده‌فال، ا. (۱۳۹۵). از نوازش تا نوازه: نگاهی به مفهوم نوازیدن در آموزش زبان دوم. فصلنامه مطالعات زبان و ترجمه، ۴۹(۴)، ۱-۱۳.
- پیش‌قدم، ر.، فیروزیان پوراصفهانی، آ. و طباطبائی فارانی، س. (۱۳۹۶). واکاوی عبارت «ناز کردن» و ترکیب‌های حاصل از آن در زبان فارسی در پرتوی الگوی هیجامد. فصلنامه مطالعات فرهنگ-ارتباطات، ۱۸(۳۹)، ۹۶-۶۷.
- نصراصفهانی، ع.، نصراصفهانی، م. و عالم، ر. (۱۳۹۱). تحلیل موضوعی تفاوت‌های ارتباطی زنان و مردان؛ مورد مطالعه: مجموعه صنعتی انتخاب. پژوهش‌نامه زنان، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۳(۲)، ۱۱۷-۹۵.
- Bagozzi, R. P., & Yi, Y. (1994). Advanced topics in structural equation models. *Advanced methods of marketing research*, 151.
- Berne, E. (1964). *Games People Play*, New York. Deutsch: Spiele der Erwachsenen, Reinbek.
- Berne, E. (1988). *Games People Play*, New York. Deutsch: Spiele der Erwachsenen, Reinbek.
- Bohrani, M. (2005). Studying academic motivation and its correlated factors in secondary students of Fars state. *Humanistic and Social Journal of Shiraz University*, 22(4), 104-115.

- Chin, W. W., & Newsted, P. R. (1999). Structural equation modeling analysis with small samples using partial least squares. *Statistical strategies for small sample research*, 1(1), 307-341
- den Brok, P. J. (2001). *Teaching and student outcomes: A study on teachers' thoughts and actions from an interpersonal and a learning activities perspective*. WCC.
- Foster, K.C. (2008). The transformative potential of teacher care as described by students in higher education access initiative. *Education and Urban Society*, 41(1), 104-126.
- Freedman, M. (1993). *The kindness of strangers: Adult mentors, urban youth and the new volunteerism*. San Francisco, CA: Jossey-Bass.
- Hamre, B. K., & Pianta, R. C. (2001). Early teacher-child relationships and the trajectory of children's school outcomes through eighth grade. *Child Development*, 72(2), 625-638.
- Hosseini, S. (2016). *EFL teachers' perceptions of stroke and their application in class: A qualitative study*. (Unpublished Master's thesis). Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran.
- Irajzad, F., Pishghadam, R. & Shahriari, H. (2017). Examining the Stroking Behavior of English, Persian, and Arabic School Teachers in Iran: A Mixed-methods Study, *International Journal of Instruction*, 10 (2), 219-236.
- Kivikangas, J. M., Kätsyri, J., Järvelä, S. & Ravaja, N. (2014). Gender Differences in Emotional Responses to Cooperative and Competitive Game Play. *PloS one*, 9(7), e100318.
- Pishghadam, R., & Khajavy, G. H. (2014). Development and validation of the Student Stroke Scale and examining its relation with academic motivation. *Studies in Educational Evaluation*, 43, 109-114.
- Pishghadam, R., Naji Meidani, E., & Khajavy, G. H. (2015). Language teachers' conceptions of intelligence and their roles in teacher care and teacher feedback. *Australian Journal of Teacher Education*, 40(1), 60 - 82.
- Rajabnejad, F., Pishghadam, R. & Saboori, F. (2017). On the Influence of Stroke on Willingness to Attend Classes and Foreign Language Achievement. *Applied Research on English Language*, 6(2), 141- 158.
- Schutz, P. A., & Pekrun, R. (2007). Educational psychology series. *Emotion in education*. San Diego, CA, US: Elsevier Academic Press.
- Shirai, S. (2006). How transactional analysis can be used in terminal care. International Congress Series.
- Spilt, J. L., Hughes, J. N., Wu, J. & Kwok, O. (2012). Dynamics of Teacher-Student Relationships: Stability and Change across Elementary School and the Influence on Children's Academic Success. *Child Development*, 83(4), 1180-1195.
- Spitz, R. A. (1954). Hospitalism— An Inquiry into the Genesis of Psychiatric Conditions in Early Childhood. *Psychoanalytic Study of the Child*, 1(2), 53-74.

- Stewart, I., & Joines, V. (1987). *TA today: A new introduction to transactional analysis*. Nottingham: Life space.
- Yazdanpour, H. (2015). *Constructing and validating a Teacher Stroke Scale and examining its relationship with burnout* (Master's thesis), Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran.